

دوست گرامی آقای نبی؛

نامه شما به آدرس (بابا) مواصلت نموده و از محتوای آن مبنی بر اظهار نظرات توأم با آرزومندی، توصیه های مخلصانه و هوشدار های دوراندیشانه تان مستحضر شدیم؛ اینکه قبول زحمت فرموده و بخشی از وقت گرانبهای خودتان را به انشاء پیامی با ملاحظات متذکره فوق و گسیل آن برای سایت (بابا) اختصاص داده اید، مایه قدرانی و امتنان ما میباشد. با احترام به نقطه نظرات و باور های شما و با ارج گذاری به حسن نظر و غمخواری تان نسبت به (بابا) ، اینک می کوشیم طی همین نامه، تا جاییکه مقدور باشد و آنهم با یک طول و عرض هرچند نامتعارف و ملال آور به تقاضای صمیمانه شما لیبیک گفته و به پرسش های تان جواب بگوییم، باشد که بدینوسیله طرز نگرش خودمان پیرامون مسئله مطروحه توسط شما و استنباط از آن را به اطلاع تان رسانیده و براین مبنا، چنانچه مایل باشید، باب یک گفتگوی سازنده رفیقانه و زمینه هایی از تفاهم و همسویی را فراهم گردانیده باشیم.

باری، شما می نویسید، از مطالعه سلسله ای از مقالاتی که اخیرا بنام (انسان) در سایت (بابا) انتشار یافته، درک نموده اید که نویسنده همین قلمفرسایي ها، چه کسی میباشد؛ البته از شرح، توصیف و قراین و شواهدی که در زمینه کشف و تشخیص هویت نویسنده مقالات مزبور ارائه نموده اید، حتی ما هم پی بردیم که مقصود شما چه کسی باید باشد. بگذارید بخاطر جلب توجه تان، هویت شناسایی شده توسط شما را، در اینجا با صراحتی که ما همواره مدعی آن بوده و خودمان را به این سبک کلام متعهد پنداشته و می پنداریم، به اسم مجازی (آشنا) نام گذاری کنیم.

آری، همین هویت شناسایی شده توسط شما، می باید آقای (آشنا) باشد! البته ما هیچگاهی نمی توانیم و نمی خواهیم انکار کنیم که از هویت سیاسی آقای (آشنا)، شناختی نسبی و روشن داریم؛ ما سال هایی چند همراه با (آشنا) در یک تشکیلات دموکراتیک انقلابی بنام "گوافس" یا اتحادیه عمومی محصلان و افغان های خارج از کشور - تا آنگاهی که اتحادیه مزبور به انحراف از اصول اعلام یافته مبارزاتی خودش میلان نکرده بود - همکاری و مبارزه مشترک داشته ایم؛ اینجاست بخشی از شناخت ما پیرامون گذشته سیاسی آقای (آشنا).

اما در اوضاع و شرایط پس از مبارزات مشترک دموکراتیک در "گوافس" GUAFS ، شناخت ما هم از آقای (آشنا) برپایه ارزیابی از همین واقعیت های نوین و متناسب بدان، چیز دیگری میباشد؛ او را نمی توان دیگر با معیار های سیاسی انقلابی دوران مبارزه مشترک انقلابی در "گوافس"، ارزیابی و شناسایی کرد. همین قناعت خویش را ما البته از مدت ها قبل و به مناسبت های معینی مستقیما به شخص (آشنا) بیان داشته، و او هم از دیدگاه ها، مواضع و قضاوت های ما در تمامی زمینه ها بخوبی آگاه میباشد.

سیر عملی وقایع و رویداد های معینی در عرصه های ملی و بین المللی، بویژه از هفت اکتبر 2001 بدینسو، جایگاه و موقعیت سیاسی اجتماعی بسیاری از مبارزان شناخته شده پیشین را دگرگون ساخته و متناسب بدان، معیار های شناخت و قضاوت ما هم، از نو بایست بازنگری گردیده و می گردیدند.

برای اطلاع خاطر شما، باید بگوییم که در همین تازگی ها یعنی حدود یکماه قبل، با آقای (آشنا) همانند بسیاری از آشنایان دوران "گوافس"، در جریان مراسم تشییع جنازه عضو خانواده یک عضو با سابقه "گوافس"، در یکی از شهر های کشور آلمان، تلاقی کردیم.

ولی آقای (انسان) نویسنده سلسله ای از یادداشت های انتشار یافته در (بابا) را هرگز ندیده و بجزء از خلال همین نوشته ها، هیچ شناخت دور و نزدیک دیگری راجع به ایشان نداریم؛ همین واقعیت را ما قبلا هم طی انتشار یک نامه سرگشاده به اطلاع همگانی رسانیده ایم. اینکه نام و نشان مشخص آقای (انسان) چه و ایشان واقعا کیستند، معرفت ما در این زمینه، از حیطه حدس و گمان ما فراتر نمی رود، و این هم چنانچه می دانید، نمی تواند هیچگاهی منبع و اساس علمی و منطقی برای شناسایی پدیده ها باشد. برای دستیابی به حقیقت، باید از واقعیت عینی حرکت کرد؛ واقعیت مورد اتکای ما در ارزیابی و شناخت هویت سیاسی آقای (انسان)، نه حدس و گمانه زنی، اینکه نام و نشان اصلی و واقعی ایشان شاید چنین و چنان باشد، بلکه افکار، باور ها و مواضع اعلام یافته در نوشته های منتشره ایشان در (بابا) میباشد. ما از همین افکار، باور ها و مواضع سیاسی اعلام یافته که با خط مشی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی (بابا) تطابق داشته و با اهداف، آرمان ها و ایده آل هایی مثل آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی - آرمان ها و ایده آل هایی که در موقعیت کنونی، از میرم ترین خواسته ها و ضرورت های فوری مردم و جامعه ما را می سازند، همنوایی و هماهنگی دارند، دفاع و پشتیبانی می نمایم، نه از اسم مستعار (انسان) هر کسی که باشد، اما اینکه آقای (انسان)، به همین ایده آل های بیان شده و مواضع ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی اعلام یافته خودشان واقعا باور دارند یا ندارند، تحقیق در زمینه از حیطه امکان و عمل ما فراتر میباشد، زیرا ما نه علم غیب داریم، و نه هم به مکونات درونی و قلبی آدم ها می توانیم دسترسی پیدا کنیم.

با در نظر داشت افکار، باورها و مواضع عملی انتشار یافته در همین مقالات بنام (انسان)، اینکه ایشان - چنانچه خود در همان اولین یادداشت خودشان اذعان می دارند - یکی از طلایه داران و مسئولین سازمان جوانان مترقی بوده اند، می توان بوضاحت غیر قابل انکار نتیجه گیری نمود که آقای (انسان) و شخص مطرح گردیده توسط شما، یعنی همان آقای (آشنا)، می بایست دو شخص جداگانه و مختلفی باشند که هر کدام شان، دیدگاه ها، باورها و مواضع عملی مختص بخودشان را دارند که با تکیه بر آنها، می شود به تمایزات بنیادی موجود در چگونگی شخصیت و هویت سیاسی هر دو هم، به آسانی پی برد.

دوست ارجمند آقای نبی؛

اکنون اجازه بدهید تا سوال شما را البته با طرح یک پرسش متقابل پاسخ گوئیم و این، چنانچه می دانید، یک شیوه کاملا بجا و منطقی میباشد:

شما دوست گرمی، چطور و از کجا به این "شناخت" رسیده اید، که آقای (انسان) گویا همان آقای (آشنا) میباشد؟

اگر آقای (آشنا) همین جرأت و صراحت را دارد که در همنوایی با اوضاع و مناسبات جاری حاکم بر افغانستان، در سایت "گفتمان" بنام اصلی خودش مقاله بنویسد؛ عکس خودش را در کنار آن به نشر برساند؛ و برحسب معلوماتی که ما داریم، یکی از مسئولین و بنیانگذاران همین سایت نامبرده نیز باشد؛ در بسا مجالس رسمی و مناسبات سیاسی دولتمردان کابل، بقول شما، بمثابه شخص سوم حضور علنی داشته باشد؛ پس با همه همین علنی گرایی ها و مواضع متناسب بدان، چرا و به چه

دلیلی می خواهد که همچنان 180 درجه مغایر با افکار، باورها و مواضع عملی شناخته شده قبلی و مواضع شناخته شده علنی کنونی، به یک اسم عام و نا شناخته ای یعنی (انسان)، و آنهم در یک سایت ناشناخته و یا کمتر شناخته شده ای بنام (بابا) مقاله و یادداشت بنویسد؟ از جایگاه کنونی طبقاتی و از منافع و امتیازات مترتب بر آن صرفنظر نماید و ... ضرورت و حکمت این کار در چیست و چه اهدافی را دنبال می کند؟

حتی با تمسک به خصایص بنیادی "اپورتونیسیم" بعنوان یک خصلت، کرکتر، اخلاق و شیوه تفکر و عمل سیاسی اجتماعی هم، نمی شود تضاد و تباین افکار و باورهای آقای (آشنا) و آقای (انسان) را تبیین و توجیه کرد.

از نظر ما، میان افکار، باورها، مواضع و در مجموع، سجایای سیاسی، اجتماعی و اخلاقی دو شخص مورد نظر، چنان تضادی آشتی ناپذیر و چنان دره عمیق غیر قابل عبوری حایل است، که نمی شود و نمی توان آنرا محض با حدس و گمانه زنی و پیش قضاوتی برطرف کرد. دوست عزیز آقای نبی؛

بگذارید صراحتاً در اینجا اذعان نمایم و آن اینکه، چنانچه آقای (آشنا) حاضر باشد به مقاطع مشخصی از زندگانی سیاسی خودش، از جمله به همسویی و همراهی کنونی با مسئله اشغال کشور و ارتجاع بر سر اقتدار در دولت دست نشانده کابل، برخوردی انتقادی، جدی، مسئولانه و شرافتمندانه نموده، تا جاییکه بخواهد افکار و باورهای خودش را اینک گویا بنام (انسان) اشاعه بخشد، سایت (بابا) اولین ارگان نشراتی خواهد بود که با جبین فراخ و آغوشی باز از ایشان استقبال نموده، و برای انتشار باورها و مواضع جدید آزادیخواهانه انقلابی او هم، بگونه همه رهروان و دوستداران همین راه، مجال سخن و تبارز دهد. به باور ما، هیچ کسی از مادر انقلابی و یا ضد انقلابی زاده نشده و تا ابد هم، به یکسان و به یک حالت باقی نمی ماند؛ چرایی و چگونگی همین طرز تفکر را شما بهتر می دانید که ما هم آگاهانه نمی خواهیم، در اینجا بیش از آنچه لازم است، اسباب ملال خاطر شما را فراهم سازیم. در زندگی، در جریان مبارزه طبقاتی و در مسیر انقلاب، گاهی تحولات و نشیب و فرازهایی رونما می گردند که از قلمرو تصور و پیش بینی های قبلی هرکسی خارج بوده و انسان ها در حدوث و ظهور آنها، نقشی عملی و تعیین کننده نمی داشته باشند؛ رخدادها، نشیب و فرازها و موضعگیری هایی که هر کدام محصول اوضاع و شرایط سیاسی اجتماعی و تاریخی خاص خودشان بوده و بروفق قانونمندی خودشان عمل می کنند؛ در رویارویی و مصاف با همین اتفاقات و رخداد های از قبل پیش بینی نشده، در گذار و پیمودن همین نشیب و فرازها هم، برداشت ها، امکانات، انتظارات و مقاومت و توانایی های انسان ها متفاوت میباشند؛ بعضی ها می توانند همین مسیر پر از نشیب و فراز و مملو از مخاطره را، با استقامت و صلابت لازم و با افتخار، پیروزمندانه تا به آخر طی کرده، انقلابی عمل نموده و حتی با مرگ خودشان، جاودانه میگردند؛ عده ای همین باور، مقاومت و ایستادگی را نداشته، در نیمه راه ها در جا می زنند؛ برخی دیگر هم، به مقتضای درک و باورهای خودشان در یک موقعیت جدیدی و با چسپیدن به منافع سیاسی طبقاتی مترتب بر آن، تغییر فکر، روش و موضع داده و به ضد خودشان مبدل میگردند.

از اینجاست که ما به این گفته داهیانه و پربار باور داریم، که در تحت شرایط مشخصی در زندگی، در جریان مبارزه طبقاتی و در مسیر انقلاب، جدا امکان دارد که یک امر بد به نیک، و امر نیک به بد تبدیل گردد!

یکی از وظایف بسیار اساسی همه افراد، عناصر و نیروهای جدی انقلابی همین خواهد بود، که در جریان مبارزه جدی آگاهانه و روشنگرانه طبقاتی انقلابی، در پروسه عملی انقلاب و در خدمت به انقلاب، آنانی را به راه انقلاب جلب و جذب نموده، در خدمت وظایف و در راستای نیل به اهداف انقلاب سازماندهی نمایند، که اصلاً به انقلاب و به ایده‌های انقلابی باور نداشته، و یا حتی ضد انقلابی باشند؛ برخلاف، نیازی وجود ندارد، همواره در لاک خود محصور مانده و به آنانی موعظه انقلابی کرده و ایشان را به راه انقلاب فراخواند، که خود انقلابی بوده، آگاهانه در مسیر انقلاب گام گذارده و عملاً مبارزه انقلابی می‌نمایند.

اگر انقلابیون ما هم، همانند هر انسان و همانند توده‌های مردم وظیفه دارند که از زندگی بوجه عام چه بسا از گذشته‌های تاریخی و تجارب متنوع آن، همواره درس گرفته و چیزهایی بیاموزند، یکی از همین موارد و تجارب آموزنده هم، همین است که نباید به اشخاص، قضایا و پدیده‌های جهان هستی، برخوردی انتزاعی، تنگ‌نظرانه و دگم‌داشته باشند؛ نباید خیال، گمان، ذوق و سلیقه، باورها و پیش‌قضاوتی‌های خودشان را، بجای واقعیت عینی نشانده و به نحوی سوبژکتویستی و یکجانبه، اندیشه و عمل نمایند. نباید بدون یک دست‌آویز محکم و معتبر، و بدون یک سند و مدرک قوی اثباتی، به نفی یا پذیرش این و آن برآمده، مدح یا نفرین این و آن نموده و در نتیجه، آگاهانه یا ناآگاهانه در منجلاب گمراه‌کننده و مذلت‌بار شخصیت پرستی یا شخصیت زدایی سقوط کنند!

"جدل بر سر واقعیت یا عدم واقعیت تفکر (یعنی درستی یا نادرستی - م) جدا از پراتیک، یک مسئله ناب اسکولاستیک می‌باشد" همین سخن داهیانه را همواره می‌بایست رهنمای فکر و عمل خویش قرار داده و در آزمون پراتیک، به اثبات رسانید؛ البته ما بنویه خودمان، به همین آموزه پربار انقلابی و تمسک بدان و مقتضیات عملی آن، در هر حالتی خویشتن را متعهد دانسته و متعهد می‌دانیم. دوست ارجمند آقای نبی؛

شما پرسیده‌اید که سایت (بابا) روی کدام مصلحت، حاضر به نشر مقالات آقای (انسان) شده است و مسئولیت آن در قبال عواقب اینکار، چه خواهد بود؟

در پاسخ، خدمت شما باید به عرض برسانیم که سایت (بابا)، آنچنان که در "شناسنامه" آن مسجل گردیده است، "یک سایت انترنتی یا نشریه الکترونیکی همه‌رهروان و دوستداران راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی می‌باشد؛" (بابا) ناشر افکار و اندیشه‌های مترقی، دموکراتیک و انقلابی بوده و در انجام این مهم، خودش را در کنار سایر مطبوعات مردمی آزادیخواه، بمثابه یک سنگ‌ر دار ثابت قدم و استوار همین راه، متعهد می‌شناسد؛" (بابا) به رسالت خود، در فراسوی چارچوبه تنگ علایق و مناسبات ملی یک جغرافیای سیاسی، اندیشه و عمل نموده و در این مفهوم، خودش را انترناسیونالیست می‌داند؛

"با همین خصوصیات است که (بابا) برای اشاعه افکار، ایده‌ها و مواضع آزادیخواهانه و انقلابی از خلال صفحات خودش، از هرگونه همسویی و هم‌رزمی صمیمانه رهروان و دوستداران همین راه، به گرمی استقبال می‌نماید."

خصایص پایه‌ای سایت (بابا)، چنانچه می‌بینید، به بسیار اختصار در همین چند عبارت اقتباس شده از "شناسنامه (بابا)" تعریف و تبیین یافته است. بناسی از همین موازین و وجایب پذیرفته شده است که (بابا) به انتشارات خودش می‌پردازد.

حال شما برای ما نشان بدهید که آقای (انسان) به صرف نظر از اینکه نام اصلی وی چه و کیست، فکر و نظری مغایر همین موازین بنیادین رسماً اعلام یافته (بابا) را نمایندگی و در (بابا)، به نشر رسانیده باشد. اگر افکار، نظرات و مواضع آقای (انسان) و یا هر کس دیگری، در توافق و تطابق کامل با خط مشی سیاسی و نشراتی (بابا) قرار دارد، پس چطور، چگونه و چه کسی می تواند مانع اشاعه آن در (بابا) گردد؟ (بابا) ملکیت خصوصی و شخصی هیچ کسی نیست؛ (بابا) نه حزب است و نه به یک حزب و یک سازمان دارای یک ایدئولوژی مشخصی تعلق دارد. برای (بابا) هر کسی می تواند مطالب خودش را بفرستد:

هم دموکرات و هم کمونیست - چه مارکسیست، چه مارکسیست - لنینیست و چه مائوئیست؛ هم آته ایست، هم سکولار و هم مذهبی - خواه یک مسلمان، یک مسیحی، یک هندو، یک سیک یا یک بودیست ...

(بابا) یک ارگان نشراتی مربوط و منوط به همه رهروان و دوستداران راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که عملاً در قبال امپریالیسم و ارتجاع و همدستان رنگارنگ شان (از خلقی و پرچمی، تا جهادی و طالبی، تا کرزی و حواریون و تسلیم طلبان شعله ای...) موضعگیری داشته و مایل اند که علیه همین دشمنان تاریخی بشریت، از هر زاویه، در هر مفهوم و به هر پیمانته ای که مقدر باشد، مبارزات خودشان را سامان و سازمان بخشند. (بابا) از همین ها، در کنار همین ها و در خدمت همین ها میباشد.

بنابراین اگر آقای (انسان) و یا هر کس دیگری با هر ایدئولوژی ای که در خودش پرورانیده و از هر فلسفه ای هم که استمداد بجوید، چنانچه در تطابق با خط مشی انقلابی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی اعلام یافته (بابا) مقاله نوشته، و در راستای نیل به اهداف و خواسته های فوری و تاریخی مثل آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی اندیشه و عمل نماید، پس چگونه و به چه دلیلی ممکن خواهد بود که گردانندگان (بابا)، این حق را از ایشان دریغ داشته و مانع اشاعه افکار، باورها و مواضع آزادیخواهانه، دموکراتیک و انقلابی شان در روی صفحات (بابا) گردند؟

بنابه پرنسپ های پذیرفته شده (بابا)، مسئولیت هر نوشته انتشار یافته در این سایت را، نویسنده آن به عهده دارد؛ اما چنانچه یک نوشته و نوشته هایی به نشر رسیده در (بابا) ضد دموکراتیک و ضد انقلابی، یعنی مغایر خط مشی رسماً اعلام یافته (بابا) بوده و گردانندگان همین سایت بدان وقوف داشته باشند یا نداشته باشند، مسئولیت این کار بدوش مسئولین سایت میباشد که نمی شود از پاسخگویی بدان، به هیچ عنوانی شانه خالی سازند.

از اینجا پیداست که معیار تعیین کننده در پذیرش و نشر مطالب دموکراتیک و انقلابی یا ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی یک سایت از قماش (بابا)، نه اسم و لقب شخص نویسنده و نه ذوق، سلیقه و تلقیات فردی و جمعی گردانندگان یک سایت یا یک ارگان نشراتی، بلکه ارزش ها و معیار های بنیادین رسماً اعلام یافته و خط مشی هدایت کننده همین سایت میباشد، که فلسفه و علت وجودی اش را میسازند. چنانچه شما در مقالات و یادداشت های آقای (انسان) و یا کسانی دیگر، باور ها و مواضعی مغایر همین خط مشی را سراغ داشته باشید، لطفاً آنرا بازگو نموده و ما را هم به مسئله واقف سازید؛ در آنصورت ما هم موظف خواهیم بود تا در کمال صراحت و شرافت، از خود انتقاد نموده و در اصلاح خود و سبک کار خویش بپردازیم. این وظیفه نهایت جدی و ارزشمند انقلابی شما خواهد بود که ما را در زمینه رهنمون گردیده و همواره با نگاه مسئولانه و انتقادی، بر حرف و عمل و

نحوه کار انتشاراتی ما نظارت نمایید. آری، لطفاً به این وظیفه و وجیهه انقلابی عمل نموده، ما و حرف و عمل ما را هم در بوته آزمون قرار بدهید!

شما در نامه خودتان به (بابا) می نویسید: "فکر می کنم شما شناخت کامل از شخص مذکور دارید و باید هم داشته باشید زیرا پرنسپ هر وب سایت تقاضا میکند که شخص نویسنده را با شهرت اصلی اش بشناسد و نگذارد که هر کس با چند جمله انقلابی جای پای خود پیدا کند. زیرا سلیقه و ارزش هر وب سایت را نویسندگان آن تعیین میکند".

راستش را بگوییم، همین ملاحظات و توضیحات ارائه شده ما تا اینجا، در حد خودشان می توانند پاسخی باشند به اظهارات افتباس شده از نامه تان؛ ولی بگذارید بازهم بر گفته های شما اندکی مکث کنیم.

البته مقصود شما در این نامه، چنانچه قبلاً تذکار یافت، همانا آقای (آشنا) میباشد. در شرح مبسوط ارائه گردیده تا اینجا، به روشنی و صراحت اذعان داشتیم، که شناخت نسبی و روشن ما پیرامون همین آقای (آشنا)، چگونه و در چه سطحی میباشد؛ این شناخت از چه زمانی آغاز یافته، چگونه بوده، چه مراحل را طی کرده و اینک به کجا کشیده شده است؟

اما در مورد آقای (انسان) متذکر گردیدیم که، نه اسم مشخص ایشان را می دانیم؛ نه سیما و قیافه ایشان را دیده ایم؛ نه از گذشته ایشان بجز آنچه خود در یادداشت ها بدان اشاره می نمایم، اطلاعی داریم و نه هم از حال و موقعیت فعلی کنونی شان. آن یادداشت های سیاسی ای که تا کنون بنام (انسان) در (بابا) انتشار یافته، برای ما یگانه معیار و محک لازم و قابل دسترسی برای درک و شناخت دیدگاه ها، باور ها و مواضع سیاسی، اجتماعی و اخلاقی ایشان میباشد که تبلوری گویا از یک فرد انقلابی، با گذشته انقلابی و سجایا و اخلاقیات نبیل انسانی انقلابی میباشد. چنانچه کسانی پیدا شوند که با تمسک و استناد به همین یادداشت های منتشره در (بابا)، عکس باور و شناخت ما را ثابت نمایند، صفحات (بابا) برای نشر و اشاعه سخنان مستند ایشان باز و گشوده میباشد. - البته بر این نکته واقف هستیم که بنام (انسان) همچنان مطالبی در سایت "گفتمان" به نشر رسیده است که ما از محتوای آنها اما هیچ اطلاعی نداریم؛ مسلماً که آقای (انسان) از موضع ما در قبال "گفتمان" آگاهی داشته اما آنرا نمایندگی نمی کند - .

باری، غیر از آنچه در بالا ارائه شد، ما کدام امکان و وسیله دیگری در اختیار نداریم که بمدد آن، به شهرت اصلی نویسندگان مطالب ارسالی برای (بابا) دسترسی پیدا نمایم و فکر میکنیم که به اینکار هم، نه نیازی وجود داشته باشد، و نه هم اینگونه تجسس و کنجکاوی ها شیوه و وسیله ای شایسته برای یک ارگان نشراتی دموکراتیک میباشد.

دوست گرانمایه نبی؛

برای درک و شناخت افکار و مواضع سیاسی انقلابی آقای (انسان) و هر نویسنده دیگری، آنچه برای ما لازم و ضروری است، همانا تشخیص ماهیت مقالات ایشان و شناخت از چگونگی موضعگیری سیاسی انقلابی تبلور یافته در همان مقالات میباشد، نه شهرت مکمله یعنی اسم و ولد اصلی، محل سکونت، قوم، ملیت، نژاد، مذهب، زبان، شغل، حالت اجتماعی و ...

البته شما بهتر می دانید که (انسان) در یادداشت های منتشره در (بابا)، یک نام مستعار است و گزینش اسم استعاری برای مقالات هم، چیز تازه و اختراع آقای (انسان) نمی باشد؛ این شیوه و رویکردی است که ضرورت توسل بدان را، چگونگی درک هر کسی از اوضاع و شرایط زمانی و مکانی و

استنتاج افراد از آن تعیین میکند. شما شخصا نامه خودتان را به اسم (نبی) امضا نموده اید که این برای ما، یک اسم عام و شاید هم مستعار باشد؛ آدرس الکترونی تان را به اسم (عبد الحمید)، و کمپیوتری که در آن همین نامه تایپ گردیده، به یک (اسم سوم) ثبت شده است؛ حال بما بگویید که به مثابه یک ارگان نشراتی، چگونه می توانیم به کشف و شناخت شهرت اصلی شخص شما نایل آییم و ضرورت اینکار در چیست؟

اگر قرار بود که ما ابتدا شهرت اصلی شما را شناخته و سپس وارد مکاتبه با شما شده و سرانجام به نشرنامه تان مبادرت می ورزیدیم، قبول داشته باشید که همین سطور کنونی با پرگویی های آن هم، اصلا به حیز وجود نمی آمد.

البته شما کاملا درست و بجا می گوید که معیار انقلابی بودن هر شخصی، عمل وی - بگذارید دقیقتر بگوییم، پراتیک شخص - میباشد، نه چند جمله انقلابی.

با آنکه ما حرف و عمل، گفتار و کردار و تئوری و پراتیک را اصولا در یک وحدت دیالکتیکی مدنظر داشته و مورد مذاقه قرار میدهیم، اما در همین رابطه، عمل یا پراتیک را همواره مرجح دانسته و در تشخیص پدیده و تبیین خصلت و ماهیت آن، تعیین کننده می دانیم، چه حرف نغز، گفتار زیبا و به همینسان برنامه های بسیار دلکش، مادامی که در عمل و پراتیک سازنده و خلاق تبلور نیابند، واجد هیچ ارزش عملی نبوده و نمی توانند هم باشند.

حال که در رابطه با آقای (انسان) تنها و تنها گفته ها، باور ها و مواضع انعکاس یافته در یادداشت های ایشان، می توانند موضوع غور و بررسی ما بوده و محملی برای شناخت و قضاوت باشند، چه بهتر بود که شما عنان امر را بدست گرفته و در نامه خودتان، گویا به همین جنبه از شهرت اصلی ایشان عطف توجه نموده و بدینوسیله، ما را هم در شناخت بهتر ایشان یاری می رسانید؛ توقع می رود که شما بازهم همین فرصت را مغتنم شمرده، در نامه ها و مقالات آینده خودتان، مقالات و یادداشت های منتشره آقای (انسان) در (بابا) را بازنگری و بازخوانی نموده، ما، خوانندگان (بابا) و سایر علاقمندان را در شناخت شهرت اصلی ایشان یاری رسانید؛ چنانچه اینکار را قبلا و در جای دیگری انجام داده باشید، بازهم سودمند خواهد بود که ما را در جریان آن قرار بدهید. تنها از اینطریق و به همین وسیله است که میسر خواهد گشت، هویت حقیقی و شهرت اصلی آقای (انسان) را کشف و برملا ساخته، از ضرر های احتمالی ایشان جلوگیری نموده و ما را هم بگفته خودتان، از شیر شیطان رهایی بخشید! البته مراد از شیطان مورد نظر شما هرچه باشد، و در هر هیئتی هم - چه آسمانی و چه زمینی - که به تصویر کشیده شود، اما برای ما همین سمبول شرارت، در حکم دشمن طبقاتی تاریخی مان معنا گردیده و عینیت می یابد، و آن هم در موقعیت کنونی، غیر از امپریالیسم و ارتجاع و همدستان رنگارنگ شان، چیز دیگری نمی باشد؛ آقای (انسان) نیز، آنگونه که در یادداشت های منتشره ایشان در (بابا) آمده و آنگونه که ما استنباط می نماییم، همین دو دشمن تاریخی را آماج خودشان قرار داده، و یادداشت های نامبرده در حد خویش، مظهر تخاصم انکارناپذیر با همین دشمنان محسوب میگردند. دوست محترم آقای نبی؛

آنانی را که شما بدلیل فحش و ناسزاگویی و اشاعه هرزه گی در یک سایتی که خودش را به غلط "پیام آزادی" و ناشر افکار ملی و مترقی (!؟) می خواند، کودن نامیده اید، هم قبل از انتشار یادداشت ها و مطالب ارسالی آقای (انسان) در صفحات (بابا)، هم بدلیل همین یادداشت ها و هم یقینا در آینده، به ردیالانه ترین فحاشی ها و ناسزاگویی های خودشان مبادرت ورزیده و خواهند ورزید؛ این

بخشی از اندیشه و عمل و اخلاق اجتماعی - نمی گوئیم خانوادگی - ایشان میباشد، که به آقای (انسان) هیچ ارتباطی ندارد. در همین رابطه بوده است که ما قبلا هم طی مقدمه مختصری بر انتشار یک نوشته ای از "سازمان انقلابی افغانستان" در (بابا) و در تمجید از روش برگزیده همین سازمان نامبرده، چنین می نویسیم:

### گفتنی (بابا)

مطلب واصله زیرین به آدرس (بابا) برای نشر، ضمن راه اندازی یک جدل منطقی سیاسی، روشی را به نمایش میگذارد که اشاعه آن در جنبش انقلابی، چنانچه همه بدان التزام نمایند، نه فقط می تواند زمینه ساز ایجاد فضایی از صمیمیت و تفاهم جهت پیشبرد یک مبارزه سازنده و سالم ایدئولوژیک - سیاسی گردد، بلکه همچنان تمهیدی باشد برای امر تحقق وحدت اصولی و رزمنده میان آحاد صادق، متعهد و رسالتمند همین جنبش که سرانجام، مبارزه شان را نیز در راستای نیل به همان اهداف منشود مرحله کنونی انقلاب کشور، بدون شک رهنمون میگردد؛

این روش، یعنی تمسک به بحث و جدل منطقی، اتکا بر فاکت و ارائه سند، احتراز از گمانه زنی، دوری گزینی از ادعای بی پایه و اتهام ناروا و سرانجام قراردادن تز و انتی تز در کنار هم - آنچه را که (بابا) از چند سالی بدینسو عملا ترویج نموده و می نماید - همه و همه نشانه های مثبت و امیدوار کننده ای هستند که "سازمان انقلابی افغانستان" همچنان بدان رو آورده است.

اما برخلاف، هستند کسانی که بجای بحث و جدل علمی و منطقی، آشکارا "فرهنگ" توطئه گری، شایعه سازی و تهمت پراگنی را گزینه خویش ساخته و با مبادرت به شگرد های عمیقا نابخردانه و مشکوک و اسالیب منافی با اخلاق، حرمت و شرافت انسانی، نه فقط مبارزه سالم ایدئولوژیک - سیاسی را متأسفانه تا سرحد هرزه گی و دامن زدن به اخلاقیات نکوهیده و ناشایست کوچه و بازار پایین آورده اند، بلکه خویشان را هم بدین نهج، آگاهانه و ناآگاهانه در خدمت دشمنان مردم و انقلاب قرار میدهند!



این یک پیام و در عین زمان یک اعلام خطری جدی میباشد که  
ما با اغتنام فرصت در اینجا، برای جلب توجه نیروهای واقعی  
جنبش انقلابی، ناقوس هوشدار دهنده آنرا به سهم خویش  
بصدا می آوریم!

هیئت مسئولان (بابا)

18 جون 2010

آری، در همین ارتباط، ما و دوستان هم‌رزم ما همچنان در "بیانیه ها" و نوشته های قبلی خودمان،  
چنین پیامی را اشاعه داده و ضمن برحذر گردانیدن دیگران از عواقب توطئه گری های عناصر مشکوک و  
فحاش، که روزی روزگاری گریبان هم پیمانان خودشان را هم خواهند فشرد، متعهد شده بودیم که،  
هیچگاه و تحت هیچ شرایطی به عمل بالمثل رو نیاورده و متوسل به فحاشی و توطئه گری نخواهیم  
شد؛ از همینجاست که ناشایست ترین فحش ها و ناسزا ها را تا ایندم، با برده باری، مدارا و سکوتی  
دوراندیشانه، نادیده و ناشنیده گرفته، چه بسا که بسیاری از علاقمندان حتی همین آقای (انسان) نیز  
ما را به خویشتن داری و شکیبایی ترغیب نموده اند. کذا اینکه به نوشته هایی هم که از آنها بوی  
خودخوری، استخوان شکنی و ناسزاگویی به مشام میرسد، حتی در ضدیت با مخالفین ما هم که  
بوده، آگاهانه مجال انتشار و تبارز در (بابا) نداده ایم. اینست طرز نگرش، افق دید، شیوه عمل و نحوه  
برخورد ما به فضاها؛ و اینست خط فاصل کشیده شده ما با فحاشان و "فرهنگ" فحاشی و هرزه گی.  
آقای نبی؛

شما در نامه خودتان، چنانچه ملاحظه نمودیم، بر همین قماش "آدم" ها، لقب کودن را اطلاق می  
نمایید، در حالیکه آنها، نه اینکه کودن نمی باشند؛ نه تنها هیچ کسی، خصلت و ماهیت حقیقی آنها را  
با لفظ و مشخصه کودن تبیین نمی کند؛ بلکه آنها خودشان را حامل پیام آزادی و ناشر افکار ملی و  
مترقی دانسته، و آنگونه که از شعاربازی های شان هم بعضا احساس می شود، توگویی خدای  
ناخواسته اصل و نسب شان به پیشوایان پرولتاریا جهانی هم می رسد!!!

آری، آنها اعتقاد دارند که همه آن فحش ها و اهانت هایی که در سایت پیام آزادی (!؟) به نشر رسیده  
اند، افکار و اندیشه های گویا ملی و مترقی میباشند!!!

ما البته در اینجا، بازهم آگاهانه وارد این بحث نمی شویم، و چنانچه ضرورت آن پیش آید، در زمینه به  
تفصیل سخن خواهیم گفت.

اما برخلاف، آقای (انسان) بدور از "فرهنگ" نکوهیده هرزه گی، با احتراز از کاربرد هر لفظ و عبارت از  
نظر اخلاقی ناشایست، و بدون استمداد از لغت نامه بازاری (در همان مفهوم زشت و نکوهیده) افراد و  
عناصر مشکوک و مجهول الهویه، به نقد شیوه های برخورد آنها پرداخته و از آنها می پرسد که، پس  
دشمنان شناخته شده مردم افغانستان - اشغالگران امریکایی و ناتو، احزاب اخوانی، خلقی ها و  
پرچمی ها و بالآخره کرزی و حواریون - را به کدام الفاظ و عبارات خطاب می نمایند!!!

حال شما بما بگوئید که ما و خوانندگان ما، چه چیزهایی را می توانیم از الفاظ و عبارات و شیوه های  
برخورد یک چنین افراد و عناصر مورد نظر بیاموزیم، و چه چیزهایی را، تا چه حد و به چه مقداری از  
گفته ها و یادداشت های آقای (انسان) و امثال ایشان؟

دوست عزیز آقای نبی؛

نه گردانندگان سایت (بابا) از آقای (انسان) طلب نموده اند، که برای پرکردن صفحات (بابا)، مقاله بنویسد، و نه هم شاید نویسنده یادداشت های "هرچه از دوست می رسد، نیکوست" از ایشان طالب کمک شده باشد؛ چون بقول شما، نویسنده مزبور خود، هنوز توانایی آنرا دارد که از افکار و مواضع خودش دفاع کند. پس این فکر، تصمیم و عمل شخص آقای (انسان) و درک خودش از ضرورت هایی می باشد که ایشان را به نگارش سوق داده است؛ ورنه میشود به بسیار بساطت و سادگی مدعی گردید که فلان و فلان به درخواست فلان و برای کمک به فلان، مقاله می نویسد! و این طرز بینش و قضاوت را به همین نهج، میشود تا آنجایی تعمیم بخشید، که بتأسی از آن، دیگر نه ما، نه شما و نه هیچ کس دیگری خواهد توانست، شخصیت، خود ارادیت و استقلالیت خودش را در رویکرد به عمل نویسندگی و نگارش و امر آزادی عقیده و بیان داشته باشد!

آقای (انسان) بگونه هر کس دیگری، این حق را دارد که در هر رابطه ای که خواسته باشد، ابراز نظر نموده و یادداشت و مقاله خودش را بنویسد؛ حق ایشان از هیچ کس دیگری چه بسا از آن عجایب الخلقه هایی که شما به آنها کودن خطاب می نمایید، کمتر نمی باشد که برای اشاعه افکار، دیدگاه ها و مواضع سیاسی انقلابی - نه فحاشی و ناسزاگویی - از صفحات ارگان های نشراتی دموکراتیک مردمی استفاده نماید.

ارگان های نشراتی هم، این حق را دارند، در صورتی که افکار و مواضع نویسندگان، مغایر خط مشی سیاسی نشراتی شان نباشد، به انتشار نوشته ها و مقاله های رسیده، در صفحات خودش مبادرت ورزند.

شاید هم - بقول شما - سایت (بابا) قادر باشد که برای پرکردن صفحات همین سایت، تنها به نوشته های هیئت مسئولان خودش اکتفا نماید؛ در چنین حالتی، (بابا) ارگانی خواهد بود متعلق به گردانندگان خودش، بگونه سایت یک فرد معین، یک مجموعه خاص، یک گروه، یک سازمان یا یک حزب مشخص. اما (بابا)، چنانچه می دانید، یک سایت سیاسی آزاد، مستقل، دموکراتیک و متعلق به همگان می باشد؛ (بابا) - آنچنان که در پیشانی آن قید شده است - نشریه الکترونیکی همه رهروان و دوستداران راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی می باشد که صفحات آن بنابراین، بر روی همه همین رهروان و دوستداران ... از جمله شما و آقای (انسان) نیز گشوده بوده و خواهد بود. دوست ارجمند آقای نبی؛

چنانچه خاطر نشان ساختیم، به غیر از خود یادداشت ها و مطالب ارسالی آقای (انسان) با مواضع سیاسی انقلابی، ما واقعا که هیچ مدرک و سند، و هیچ قرینه و شاهد ملموس و معتبر دیگری را سراغ نداریم که ما را بدان متقاعد گرداند که آقای (انسان)، همان آقای (آشنا) می باشد، یعنی شخصی که شما با لطف و خلوص نیت، گوشه یی از شهرت اصلی وی را در نامه تان مسجل نموده اید. البته این باور شما بوده و گوشه یی از یافته های شما را بازگو می دارد، که فقط خود شخص آقای (انسان)، می تواند در تأیید یا تکذیب ادعا و قضاوت شما، اظهار نظر کرده و موضعگیری نماید نه کس دیگری؛ ورنه شما بما بگویید که چگونه و با چه ابزاری ممکنست بدانیم که آقای (آشنا) یا آقای (انسان) و یا هم هر کس دیگری، در زیر سقف خانه مسکونی خودش، نماز می خوانند، روزه می گیرند ... و چه ها میکنند؟ و اصولا دانستن اینگونه مسایل خصوصی آدم ها، چه دردی را درمان و کدام معضل مردم

تحت ستم و رنجور، و جامعه اشغالی، اسیر و ویران شده ما را می تواند حل کند؟ همین سروده را که شما نیک بخاطر دارید:

واعظان اند که جلوه بر محراب و منبر می کنند  
چون به خلوت می روند کار دیگر می کنند

ما این را هم نمی دانیم که آیا این آقای (آشنا) بوده که یکسال و اندی در بشکک قرقیزستان و آنهم به هر دلیلی، رحل اقامت گزیده است، یا آقای (انسان)؟  
ما این را هم نمی دانیم که این آقای (آشنا) است که حامد کرزی را در مجلسی در برلین، بعنوان شخص سوم همراهی نموده است و یا آقای (انسان)؟  
در اثبات همه این اظهارات، شما به هر سند و مدرکی که استناد داشته باشید، ولی ما متأسفانه از هیچکدام آن کوچکترین اطلاعی نداریم؛ این وظیفه و وجیبه انصراف ناپذیر انسانی و انقلابی شما خواهد بود که حقیقت مکشوفه خودتان را به اطلاع عامه مردم رسانیده، و برای اثبات آن، مبارزه و مجادله کنید. چنانچه خواسته باشید، می توانید اسناد و مدارک در دست داشته و معتبر خودتان را در اختیار ما، و از اینطریق در اختیار همه مردم قرار بدهید؛ بدین نهج است که شما واقعا ما را از شیر شیطان نجات خواهید داد. در غیر آن، چنانچه مساوی و برابر انگاشتن، و یکی دانستن آقای (انسان) با شخص (آشنا)، تنها و تنها یک ادعا و اظهاریه ای مبتنی بر قرینه سازی، حدس و گمانه زنی باشد، در آنصورت ما و شما مرتکب عظیم ترین خطای فاحشی میگردیم که به سختی میشود آنرا جبران نمود؛ در آنصورت نه فقط آقای (انسان) را از حق آزادی عقیده و بیان، اظهار نظر و اتخاذ مواضع اصولی انقلابی در ارتباط با پیشینه جنبش، در قبال رویداد های جامعه بلاکشیده و اسیر، و دفاع از ایده آل ها و آرمان های مردم ستمدیده و دردمند خویش محروم ساخته ایم، بلکه ایشان را همچنان بناحق و بیموجب، بعنوان شیطان رحیم به دوزخ موعود، یعنی به اسفل النار هم روانه کرده ایم!  
دوست ارجمند آقای نبی؛

توقع میرود که بتوانیم از گذشته های تاریخی آمیخته بخون و درد و رنج مردم و از موقعیت بغایت بحرانی و دردناک کنونی جامعه هم به نحوی مقتضی درس گرفته و به سهم خویش، مانع آن گردیم تا بسا از ناملایمتی ها و نارسایی های بوقوع پیوسته، دوباره و بدست ما تکرار گردند؛ همواره می بایست در ارزیابی خویش از پدیده ها، از واقعیت های عینی و مشخص حرکت کرده، و قضاوت ما هم، ملموس، مستند و مستدل باشد. اگر می پندارید که آقای (انسان) احتمالا همان آقای (آشنا) میباشد؛ ولی آیا در غیاب سند و مدرک ملموس، نباید این احتمال را هم در محراق توجه و قضاوت خویش قرار داد، که آقای (انسان) همانا آقای (انسان) میباشد و بس!  
امیدواریم که همه همین پرگویی هایی را که متأسفانه در اینجا ضروری و اجتناب ناپذیر می نمود، برما بخشیده و بازهم برای ما نامه بنویسید!  
ما نامه کنونی شما را بر علاوه انتشار در (بابا)، البته بگونه سایر نامه ها، به مخاطب اصلی، یعنی به آدرس الکترونیکی آقای (انسان) هم گسیل داشتیم.

موفق و کامگار باشید!

**هیئت مسئولان - بابا -**

